مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال شانزدهم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۴۰۴

مقاله اصیل پژوهشی
(تاریخ پزشکی)

پژوهشی در بازشناسی هویت یوحنابن‌ماسویه (قرن سوم هجری قمری)

محبوبه رنجبر[الف]، محمد صدر[الف*]، حامد آرضایی[الف]

[الف]گروه تاریخ پزشکی، دانشکدهٔ طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

یوحنابن‌ماسویه، که در تاریخ پزشکی دورهٔ اسلامی از او به‌عنوان چشم‌پزشک، داروساز و مترجم یاد می‌شود، هرچند دارای شهرت فراوان است، اما از نظر آثاری که به او نسبت داده شده و حتی از نظر هویتی، به‌دلیل گزارش‌های متناقض و مبهم تاریخی، در بین محققان و پژوهشگران مورد بحث و ابهام است. او که طبق گزارش فهرست‌نویسان آثار متعددی در حوزهٔ پزشکی دارد، محل ارجاع اطباء و داروشناسان دورهٔ اسلامی بوده و دانشمندانی مثل ابوریحان بیرونی، محمدبن‌زکریای رازی، ابن‌جزار، ابن‌بیطار، حبیش تفلیسی در آثار خود از جمله *الصیدنه*، *الحاوی*، *الاعتماد*، *الجامع لمفردات الادویه*، *کفایه الطب* و ... به‌طور مکرر از او نقل‌قول کرده یا به آثار او ارجاع داده‌اند، اما این شهرت به جغرافیای جهان اسلام محدود نیست به‌گونه‌ای که انتساب سه رسالهٔ داروسازی قرون وسطایی که تأثیر عظیمی بر توسعهٔ داروسازی در اوایل اروپای مدرن و جهان اسپانیایی داشت، به نویسندگی شخصی ناشناس با نام مسوئه نشان می‌دهد که «مسو» احتمالاً نامی مستعار و به‌عاریت گرفته‌شده از نام یوحنابن‌ماسویه است و جدای از درستی یا نادرستی انتساب این رساله‌ها به یوحنابن‌ماسویه، بیانگر شهرت جهانی این دانشمند دورهٔ اسلامی است.

تاریخ دریافت: بهمن ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: تیر ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها: تاریخ پزشکی؛ طب ایرانی؛ پزشکی سنتی

مقدمه

یوحنابن‌ماسویه پزشک، مترجم و داروشناس سریانی‌زبان برجستهٔ قرن سوم هق است. او در پیشرفت نهضت ترجمه نقش مهمی ایفا کرده و ترجمه‌هایی از سریانی به عربی انجام داده است. همچنین آثار مهمی در زمینهٔ چشم‌پزشکی و داروشناسی نگاشته است. آثار ابن‌ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم‌ترین مراجع حکمای متقدم مانند محمدبن‌زکریای رازی در *الحاوی* می‌باشد (۱، ۲). در ترجمه‌های لاتین یوحنابن‌ماسویه به‌منظور تمایز با «ماسویهٔ کهتر» (کوچک‌تر، اهل ماردین) به‌عنوان «مزو بزرگ‌تر»، «ماسویهٔ مهتر» لقب گرفته است. در متون دارویی اوایل دوران مدرن، به‌طور مکرر نویسندگی آثار را به پزشکی به نام یحیی‌الماردینی ماسویه نسبت می‌دهند که به‌طور متناوب به او «ماسویهٔ جوان»، «ماسویهٔ کوچک‌تر»، «ماسویهٔ کاذب» می‌گفتند که باعث سردرگمی شد (۳).

مقالهٔ حاضر به پژوهش دربارهٔ هویت و نام او و به ارائهٔ گزارش در این مورد می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

این تحقیق یک پژوهش توصیفی‌تاریخی بر پایهٔ مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق کتابخانه‌ای است. تحقیق کتابخانه‌ای (Library research) فرآیندی منظم و گام‌به‌گام می‌باشد که برای گردآوری اطلاعات از آن استفاده می‌شود. در این گروه تحقیقات اعم از توصیفی، علّی، همبستگی، تجربی و غیره، محقق باید ادبیات و سوابق مسئله و موضوع تحقیق را مطالعه کند (۴). موضوع تحقیق

Please cite this article as:
Ranjbar M, Sadr M, Arezaei H. A stady on the reidentification on Yūḥannā ibn Māsawayh. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2025;16(2):113-120. doi:10.22034/jiitm/16.2.6

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

* فرد مسئول مکاتبات: sadr.m@iums.ac.ir

این پژوهش از حیث روش و ماهیت کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق بر روی منابع مکتوب انجام شده است و به‌سبب حوزهٔ موضوعی آن، تحقیقی گذشته‌نگر محسوب می‌شود.

در این پژوهش در ابتدا به‌منظور تهیهٔ زندگینامه و بررسی هویت یوحنابن‌ماسویه کتاب‌هایی در موضوع تراجم، خصوصاً تراجمی که در خصوص شرح‌حال پزشکان نگاشته شده‌اند، از قدیمی‌ترین منابع بررسی و فیش‌برداری شدند. همچنین کتاب‌های تاریخی نیز که فصل یا بخشی از آن به موضوع مرتبط با پژوهش موردنظر اختصاص داشت، بررسی و مطالعه و فیش‌برداری شدند.

علاوه بر این آثار چاپ‌شده، تحقیقاتی در مورد ابن‌ماسویه که در ایران و اروپا انجام شده بود، اعم از مقالات و کتاب‌ها جست‌وجو و شناسایی شدند و در سایت‌های معتبر مانند: World Cat, Google Scholar, Google book، داده‌های تخصصی تاریخ پزشکی مانند: J store, Project muse, Libgen.ir جست‌وجو و شناسایی گردید. در این مرحله «ابن‌ماسویه» با چندین کلیدواژه مانند: (یوحنابن‌ماسویه، یحیی‌بن‌ماسویه، یوهانس مسوئه، ابن‌ماسویه، یحیی‌بن‌ابوزکریا، Ibn Masawayh, Yuhanna ibn Masawayh, Jean mesue) جست‌وجو شد که پس از حذف موارد مشابه و نامرتبط با پژوهش، اطلاعات صحیح و موردنیاز به دست آمد.

یافته‌ها

معرفی اجمالی یوحنابن‌ماسویه

- **زندگی و اصالت**

ابوزکریا یوحنا (یحیی) ابن‌ماسویهٔ خوزی (حدود ۱۶۱ تا ۲۴۳ هق/۷۷۷ تا ۸۵۷ م) از خانواده‌ای از پزشکان سریانی‌زبان جندی‌شاپور به‌احتمال بسیار در حدود سال ۱۶۰ هق/ ۷۷۶ م در جندی‌شاپور متولد شد. با توجه به اشاره‌ای که از قول جبرائیل‌بن‌بختیشوع دربارهٔ عجمی‌بودن او و تعلق اعاجم به صناعات و حرف اجدادی و طبقاتی آنان آمده است، روشن می‌شود که ابن‌ماسویه تبار ایرانی داشته است. پدر او ماسویهٔ اول یا ماسویهٔ پدر است. برخی منابع نام پدر او را جرجیس، کنیه‌اش را ابویوحنا و ملقب به ماسویهٔ اول، ماسویهٔ پدر یا ماسویهٔ خوزی می‌دانند (۱).

ماسویه از مسیحیان نسطوری جندی‌شاپور محسوب می‌شد که به کمک نسطوریان به داروخانهٔ بیمارستان این شهر راه یافت. سی سال در آنجا به کوبیدن، نرم‌کردن و ترکیب داروها پرداخت، درحالی‌که هیچ آموزشی ندیده بود، اما به‌دلیل هوش و پشتکار زیاد توانست به‌صورت تجربی و عملی با بسیاری از بیماری‌ها، روش‌های درمان و انواع داروهای مفید به‌ویژه در چشم‌پزشکی آشنا شود (۲).

- **تحصیلات**

به روایت رهاوی، ماسویه دانشمندان و حکیمانی را برای تربیت یوحنا گماشت، اما او از آن دانشمندان نام نبرده است (۴). اگر روایت قفطی را دربارهٔ ورود ماسویه به بغداد بپذیریم، جبرائیل‌بن‌بختیشوع برجسته‌ترین و احتمالاً نخستین استاد یوحنا در طب بوده و خود او یوحنا را به ریاست شاگردان خود گمارده است (۳). گویا عیسی‌بن‌نون (ایشوع برنون) نیز که سپس به طریق نسطوریان شد، مدتی استاد او بوده است. لئون آفریقایی متذکر شده که یوحنا در آغاز می‌خواست به کلیسا بپیوندد، اما اشتغال به علوم او را از این کار بازداشت (۵). با این‌همه به‌نظر می‌رسد که به مقام شمّاسی کلیسا نیز نائل آمد؛ زیرا در برخی از روایات از او با عنوان شمّاس یاد شده است. یوحنا با آن‌که بیشتر در طب تحصیل کرده بود، اما گویا منطق و حکمت نیز تدریس می‌کرده و مجالس درس او را پررونق‌ترین محافل علمی آن روز شمرده‌اند که همهٔ گروه‌های اهل ادب در آن حاضر می‌شدند. منابع به چند تن از شاگردان او اشاره کرده‌اند، اما مشهورترین شاگرد او حنین‌بن‌اسحاق است که چندی نزد ابن‌ماسویه پزشکی خواند.

همچنین یوحنابن‌ماسویه با دختر همکارش عبدا... طیفوری ازدواج کرد و پسر کُندذهنی هم داشته که برخی همچون ابن‌ابی‌اصیبعه اشاره کرده‌اند که قصد تشریح او را داشته است. او پزشک مخصوص چهار خلیفهٔ مشهور از مأمون تا متوکّل عباسی بود. یوحنابن‌ماسویه به سال ۲۴۳ هق/۸۵۷ م در (سامره) روز دوشنبه پنجم جمادی‌الاخر، در زمان خلافت متوکّل عباسی وفات یافت (۶).

تأثیرگذاری ابن‌ماسویه بر پزشکان پس از خود

ابن‌ماسویه با گروه کثیری از دانشمندان و وزیران دوستی داشت و کندی، فیلسوف مشهور، رساله‌ای در «نفس» برای او نوشت. همچنین طبق نظر ریتر رسالهٔ *علم الکتف* را کندی خطاب به یحیی ماسویه نوشته است. دانشمندان مهمی هم از نظرات او در تدوین آثارشان بهره برده‌اند. یکی از کهن‌ترین منابعی که در زمان حیات ابن‌ماسویه تدوین شده و نویسنده در تألیف آن از نظرات ابن‌ماسویه بهره برده، کتاب *فردوس الحکمه* ابن‌ربّن طبری است. همچنین آثار ابن‌ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم‌ترین مآخذ رازی به شمار می‌روند. رازی در *الحاوی* به آثار مختلف ابن‌ماسویه بسیار استناد کرده است. همچنین موفق‌الدین هروی در کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه*، ابوریحان بیرونی در *الصیدنه*، ابن‌بطلان در *تقویم الصحه* و ابن‌بیطار در *الجامع لمفردات* بسیار از او نقل‌قول کرده‌اند.

نقش ابن‌ماسویه در نهضت ترجمه

به روایت ابن‌جُلجُل، هارون‌الرشید او را به ترجمهٔ کتاب‌های طبی، که از آنقره (آنکارا) و عموریه آوردند، مأمور کرد و نویسندگانی ماهر در خدمتش گماشت. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که یوحنا جز سریانی و عربی، زبان یونانی نیز می‌دانسته است. اما این روایت به‌احتمال زیاد مربوط به روزگار مأمون و تلاش او برای ترجمهٔ آثار یونانی و نیز دورهٔ معتصم و فتح عموریه می‌باشد. یوحنا در خدمت مأمون مقام و منزلتی بسزا داشت، تا آنجا که رئیس «بیت‌الحکمه» شد (۷). مانند بسیاری از نویسندگان این دوره، تشخیص افسانه از واقعیت در خصوص ابن‌ماسویه مشکل است. گفته شده که او ترجمه‌هایی از یونانی به عربی انجام داده است، اما هیچ‌کدام به نام او موجود نیست؛ به‌احتمال زیاد، او فقط سفارش‌دهندهٔ بعضی از آنها بوده است. حنین‌بن‌اسحاق و حبیش‌بن‌حسن اعسم به درخواست یوحنابن‌ماسویه به ترجمهٔ کتاب‌هایی از جالینوس که به عربی ترجمه شده، پرداخته‌اند. به‌وضوح تأیید شده که ترجمهٔ حنین‌بن‌اسحاق از کتاب *Galen's Methodus Medendi* (کتاب *حیله البر عربی*؛ روش‌های التیام‌بخش) به درخواست ابن‌ماسویه بوده است. در این خصوص می‌توان مواردی از حنین نقل‌قول کرد؛ به‌عنوان نمونه در کتاب *فی الادویه المفرده*، حنین به کتاب *الصوت* جالینوس اشاره می‌کند و چنین نقل می‌کند: «یوسف الخوری بخش اول این کتاب را به شکل بسیار بدی به سریانی درآورده بود. پس از او اوب و هادی ترجمهٔ بهتری از آن فراهم آورد. اما آن‌گونه که شایسته است از عهدهٔ کار برنیامد. سپس من آن را برای سلمویه به سریانی درآوردم و در درستی ترجمه بسیار کوشیدم. سرجس بخش دوم این کتاب را ترجمه کرده بود و یوحنابن‌ماسویه از من خواست آن را با بخش دوم (اصل یونانی) مقابله و تصحیح کنم و من نیز این کار را انجام دادم. اما بهتر بود که آن را دوباره ترجمه می‌کردم». در جای دیگر حنین در کتاب *فی التدبیر المُلَطَّف* می‌گوید: «من آن را به سریانی برای یوحنابن‌ماسویه و به عربی برای اسحاق‌بن‌سلیمان ترجمه کردم». یا در مورد کتاب *فی ترکیب الأدویه*، چنین بیان می‌کند: «سرجس این کتاب را ترجمه کرد و من نیز آن را در دوران خلافت امیر متوکّل برای یحیی‌بن‌ماسویه ترجمه کردم و حبیش از روی ترجمهٔ من برای محمدبن‌موسی به عربی درآورد». همچنین حنین در مورد کتاب *فی ما وقع من الإختلاف فی التشریح* می‌گوید: «ایوب این کتاب را ترجمه کرده بود و تصحیح آن مرا از پا درافکند. در نتیجه آن را از نو برای یوحنابن‌ماسویه به سریانی ترجمه کردم و مفاهیم آن را به بهترین وجه روشن ساختم». حنین در مورد کتاب *فی الحرکه الصدور الرئه* نیز چنین ذکر می‌کند: «من این کتاب را به سریانی ترجمه نکردم و پیش از من نیز کسی به این کار نپرداخت، اما اصطفن‌بن‌بسیل آن را برای محمدبن‌موسی به عربی درآورد. سپس محمدبن‌موسی از من خواست آن را مقابله کنم و افتادگی‌های احتمالی آن را برطرف سازم. من نیز چنین کردم، پس از آن یوحنابن‌ماسویه از حبیش خواست آن را از عربی به سریانی درآورد و او نیز چنین کرد» (۸). چنین به‌نظر می‌رسد که یوحنابن‌ماسویه فقط مترجم آثار نبوده و بیشتر در مقام سفارش‌دهندهٔ آثار به حلقهٔ ترجمه به سرپرستی حنین‌بن‌اسحاق بوده است.

آثار به‌جامانده

ابن‌ماسویه نویسندهٔ پرکاری بوده است. براساس کتاب‌های تراجم متقدم چون *عیون الانباء* ابن‌ابی‌اصیبعه، ۵۰ اثر به او نسبت داده شده است. فؤاد سزگین در جلد سوم *تاریخ نگارش‌های عربی*

به معرفی نسخه‌های خطی و آثار چاپ‌شدهٔ او پرداخته و تعداد این آثار را ۴۲ اثر ذکر کرده است که بعدها هر یک از آنها را اثر مستقلی پنداشته‌اند.

ابهام در مورد هویت یوحنابن‌ماسویه

آثار یوحنابن‌ماسویه اولین بار در شمال ایتالیا به همراه تفسیرهای لاتینی با حداقل هفتاد نسخه در حال گردش تا اواخر قرن پانزدهم ظاهر شد که درواقع نشانه‌ای از اهمیت اولیهٔ آنها و جایگاه نویسندگانی است که حواشی و تفسیرهایی بر آثار نوشتند (۹). در ترجمه‌های لاتین، یوحنابن‌ماسویه به‌عنوان «مزو بزرگ‌تر»، «ماسویهٔ مهتر»، «ماسویهٔ مسن‌تر»، «ماسویهٔ عالی‌رتبه» لقب گرفته است. از طرفی در متون دارویی اوایل دوران مدرن نویسندگی آثاری را که از لحاظ محتوا تا حدودی با آثار یوحنابن‌ماسویه مشابه است به پزشکی به نام یحیی‌المارديني ماسویه نسبت می‌دهند که به‌طور متناوب به او «ماسویهٔ جوان»، «ماسویهٔ کوچک‌تر»، «ماسویهٔ کاذب» یا گاهی «یوحنای دمشقی» گفته می‌شد. این تشابه محتوایی کتاب‌ها و همچنین تشابه اسمی بین این دو پزشک موجب سردرگمی و گاهی تشکیک در هویت و آثار منسوب به یوحنابن‌ماسویه از سوی محققان شده است.

این ابهام زمانی به وجود آمد که *رساله‌های سه‌گانهٔ دارویی* تحت عنوان «Die Canones des Pseudo-Mesue» در اوایل دوران مدرن در غرب مورد توجه قرار گرفتند. این رساله‌ها درحقیقت مجموعه‌ای از قوانین داروشناسی بودند که دستورالعمل‌های کلی در مورد چگونگی انتخاب، تهیه و به‌کاربردن داروهای ساده و ترکیبی را ارائه می‌دادند. به‌نظر می‌رسد که با استفاده از نام «ماسویه»، نویسندهٔ *رساله‌های سه‌گانهٔ دارویی* احتمالاً قصد داشته است که از بزرگی نام یحیی (یوحنا) بن‌ماسویه، پزشک معروف و مورداحترام قرن نهم میلادی استفاده کند تا آثارش از مقبولیت مناسبی بین جامعهٔ پزشکی آن دوران بهره‌مند شوند؛ چرا که ماسویهٔ بزرگ‌تر (یوحنابن‌ماسویه) مسئول ترجمهٔ بسیاری از آثار از زبان یونانی بود و بیش از چهل رساله در زمینه‌های مختلف پزشکی از جمله آناتومی، چشم‌پزشکی، آموزه‌های پزشکی، داروهای معطر و احتمالاً یک کتاب دربارهٔ پادزهرها (آنتی دوتاری) نوشته است و انتساب این رساله‌ها به او می‌توانست به نشر و گسترش آنها کمک کند.

این نظریه زمانی تقویت می‌شود که نتایج بررسی‌های برخی از محققان در مورد این رساله‌ها تفاوت‌هایی را از لحاظ محتوایی با آثار یوحنابن‌ماسویه نشان می‌دهد؛ به‌طور مثال دانیل ژاکار معتقد است که ماسویهٔ مهتر نمی‌تواند نویسندهٔ رساله‌های دارویی موردنظر در اوایل دوران مدرن باشد؛ زیرا مطالعات زبان‌شناسی و محتوای این آثار، به‌وضوح آنها را به‌عنوان آثار قرن یازدهم یا بعدتر شناسایی کرده‌اند (۱۰).

همچنین لئون آفریقایی رساله‌ای به نام *برخی مردان برجستهٔ عرب* (De viris quibusdam illustribus apud Arabes) را در خصوص بیوگرافی ماسویهٔ کوچک در سال ۱۵۲۷ هق (حدود ۱۴۹۴ تا حدود ۱۵۵۴ هق)، منتشر کرد. براساس گفته‌های لئون آفریقایی، ماسویهٔ کوچک یک مسیحی یعقوبی بود که در شهر ماردین، در کنار رودخانهٔ فرات به دنیا آمد و «پزشکی و فلسفه را در شهر بغداد آموخت» و با ابن‌سینا تحصیل کرده بود. او همچنین کتابی نوشت «در مورد ترکیب داروها، مانند شربت‌ها، پمادها، صمغ‌ها و دیگر چیزهای مشابه». سپس به قاهره رفت، جایی که در میان خاندان خلیفه زندگی می‌کرد و «ثروت، املاک و افتخارات زیادی کسب کرد». او در سال (۴۰۶ هق/۱۰۲۸ م) در سن نودسالگی درگذشت. به عبارت دیگر ۱۵۰ سال پس از ماسویهٔ بزرگ‌تر بود (۱۱).

همچنین سمفوریان شامپیه (۱۴۷۱ تا ۱۵۳۸ هق)، پزشک برجسته و دانشمند پزشکی در لیون، پس از بررسی صفحات اولیهٔ *رساله‌های سه‌گانه* متوجه شد که این صفحات اولیه یک شجره‌نامهٔ مختصر از نویسندهٔ آن ارائه می‌دهد. در شروع این رساله‌ها چنین آورده شده است: «به نام خداوند رحمان که این سخن از او فضل می‌گیرد و از آموزش او تکمیل می‌شود، کلمات از یوحنا، پسر مسویه، پسر حامش، پسر هیلی، پسر عبدالله، پادشاه دمشق، نشئت می‌گیرد». این شجره‌نامه اولین مرجع بیوگرافی شناخته‌شده از مسویهٔ کوچک در رساله‌ای در پزشکی از نویسندگان مشهور در پنج بخش (۱۵۰۶ هق) تهیه شده است. شامپیه بیان می‌کند که مسویه در قرن دوازدهم زندگی می‌کرد و از نسل پادشاه دمشق بود. او به‌عنوان پزشک در دمشق به درمان بیماران پرداخته و چندین اثر نوشته است، از جمله رساله‌ای در

مورد داروهای مفرد (داروهـای سـاده) و رسـاله‌ای دیگـر بـه نـام *قرابـادین* (داروهـای ترکیبـی). بـه گفتـهٔ شـامپیه، مسـویه یـک مسیحی و «قابل‌اعتماد و نیکوسرشت بود».

با وجود این گزارش‌های بیوگرافی، شواهدی که وجـود ماسـویهٔ کوچک را تأیید کنند، همچنان نامشخص و مبهم هستند. مهم‌تر از تفاوت‌های آشکار میان این گزارش‌ها، ماهیت مشکوک آنهاست کـه بسیاری آن را جعلی می‌دانند. براساس گفته‌های زیگلند لیباکنخـت (Sieglinde Lieberknecht)، نویسـندهٔ رسـاله‌ای در مـورد قـانون ماسـویه، شـامپیه، «بیـوگرافی» از ماسـویهٔ کوچـک را جعلـی و ساختگی می‌دانـد و چنـدین نویسـنده بـر اعتبـار لئـون آفریقـایی به‌شدت تردید کرده‌اند (۱۲). علاوه بر این، هـر دو بیـوگرافی پـس از مرگ ظـاهری ماسـویه نوشـته شـده‌اند و هـیچ گـزارش بیـوگرافی شناخته‌شده‌ای از ماسویهٔ کوچـک در منـابع عربـی وجـود نـدارد و هیچ نسخهٔ اصلی از آثار عربی برای تأیید یا تطبیق با این گزارش‌هـا موجود نیست. بنابراین به متون عربی توجه زیادی نشده است (۱۲). همچنین نبود ارجاعات به سـه‌گانهٔ ماسـویه در متـون داروشناسـی عربی، علی‌رغم سنت قـوی بهره‌بـرداری از منـابع پیشـین، از قـرن یازدهم تا سیزدهم جلب‌توجه می‌کند؛ برای مثـال، *منهـاج الـدکان* (نوشتهٔ کوهین عطـار)، کـه در قـاهره در قـرن سـیزدهم مـیلادی نوشته شده است، مشروعیت خود را از ایـن حقیقـت می‌گیـرد کـه بهترین دستورهای دارویی را از متون داروشناسی پیشین گردآوری کرده است، اما *قرابادین* ماسویه در میان آنها نیست. همـین امـر در مورد آثار داروشناسی ابن‌تلمیذ، سمرقندی و ابن‌بکلارش نیز صـادق است؛ کسانی کـه در زمان‌هـا و مکان‌هـایی زنـدگی می‌کردنـد کـه به‌طور معقول می‌توان فـرض کـرد کـه از ایـن رسـاله‌های سـه‌گانه مطلع بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد که بسیار بعید اسـت سـه اثـر بـا ایـن درجه از اهمیت، نوشتهٔ پزشک برجسته‌ای، وجـود داشـته باشـند و در آثـار بعـدی هـیچ اشـاره‌ای بـه آنهـا نشـود (۱۳). یـک احتمـال امیدوارکننده‌تر برای بیوگرافی ماسویه را گروهی از محققان آلمـانی مطرح کرده‌اند که بر این باورند متون احتمالاً در قـرن سـیزدهم در بولونیا تولید شده‌اند، جایی که مدرسـهٔ پزشـکی اسکولاسـتیک آن دوران تحت سرپرستی تـادیو آلـدروتی (Taddeo Alderotti) رونـق داشت. براساس زبان، محتوا و ارجاعات به نویسندگان عرب در آثـار، این محققـان نسـخه‌های خطـی را بـه سـال‌های ۱۲۶۰ تـا ۱۲۹۰ میلادی نسبت داده‌اند (۱۴). برای مثال، لیباکنخت نشان داده اسـت که در «قانون‌های ماسویه» قطعاتی بـه‌طور کلمه‌به‌کلمـه از ترجمـهٔ لاتینی *قانون* ابن‌سینا آورده شده اسـت کـه ایـن امـر آن را بـه‌طور قاطع به‌عنوان محصولی از دنیای لاتین غربـی قـرار می‌دهـد. طبـق این دیدگاه، احتمالاً متـون یـا توسـط فـردی کـه بـه نـام ماسـویه شناخته می‌شود، نوشته شده‌اند یا از نسخه‌های عربـی، کـه اکنـون ناشناخته‌اند، جمع‌آوری شده‌اند تا اعتبار و منزلـت بـه آنهـا افـزوده شود. همان‌طور که لیباکنخت استدلال کرده است، تنها راه رسیدن به هویت قطعی برای منشأ رساله‌ها، بررسـی کامـل‌تر منـابع عربـی است. بااین‌حال، شواهد متنی نشان می‌دهند فردی که این متون را گردآوری کرده، با دسترسی به ترجمه‌های لاتینی متـون کلاسـیک عربی که در میان مدارس پزشکی اروپایی در اواخـر قـرن سـیزدهم در حال گردش بودند، از بغداد، دمشق یا قاهره نبوده است و بـه‌طور قطع در زمان‌های بعد از تاریخ‌هایی که به ماسویهٔ بـزرگ و ماسـویهٔ کوچک نسبت داده شده، زندگی کـرده اسـت. ایـن امـر همچنـین می‌تواند توضیح دهد که چرا به این *رساله‌های سه‌گانه* (سـه رسـالهٔ پزشکی تحت نام مسویه) در متون داروشناسی عربی قرون وسـطی اشاره‌ای نشده است.

در عـین حـال، درمـان ماسـویهٔ کهتـر از داروهـای مفـرد نشان‌دهندهٔ نوآوری‌های مهمی اسـت کـه تحـت تـأثیر داروسـازی عربی و چه‌بسا یوحنابن‌ماسویه قـرار گرفتـه، چـرا کـه نویسـندگان عربی به‌طور چشـمگیری تعـداد داروهـای مفـرد را در داروشناسـی خود گسترش دادند. امپراتوری‌های اسلامی به‌واسطهٔ وسعت نفوذ و ماهیت جهانی خود، به سنت‌های پزشـکی ایرانـی، بـابلی، هنـدی و دیگر فرهنگ‌ها، به علاوه سنت یونانی، دسترسی پیـدا کردنـد (۱۵). دانـش داروهـای مفـرد جدیـد و خـودِ داروهـای مفـرد از طریـق مسیرهای تجاری که دریای مدیترانه را به بین‌النهرین، ایران، هنـد، سریلانکا، تبت و چین متصل می‌کرد، منتقل شد. درحقیقت، بـیش از یک‌چهـارم از چهل‌ونـه داروی مفـرد را کـه ماسـویهٔ کهتـر در فهرست خود ذکر کرده داروسازی عربی معرفی کرده اسـت. رسـالهٔ *سه‌گانهٔ قانون ماسویه* درحقیقت مجموعه‌ای از قـوانین داروشناسـی بودند که دستورالعمل‌های کلی در مورد چگونگی انتخـاب، تهیـه و به‌کاربردن داروهای ساده و ترکیبی را ارائه می‌دادند؛ اگرچـه از نظـر محتوا متفـاوت بودنـد، امـا از نظـر روش‌شناسـی و معرفت‌شناسـی

فلسفی مشابه پیشینیان عرب خود از جمله یوحنابن‌ماسویه عمل می‌کردند (۱۶).

در میان بعضی از آثار عربی در مورد ابهام در خصوص هویت یوحنابن‌ماسویه، می‌توان به قفطی در انباه لرواه اشاره کرد. او در این کتاب ذیل یکی از استادان، محمدبن‌حسن طوبی صقلی، شاعر عرب، که در ۴۵۰ هق زنده بوده، از پزشکی به نام ماسویه [واژهٔ «ابن» در این کتاب، افزودهٔ مصحح است] یاد کرده، اما مشخص است که یوحنابن‌ماسویه در این تاریخ نمی‌توانسته زنده باشد و روایت قفطی مربوط به ماسویهٔ دیگری است که گویا در سیسیل می‌زیسته و این تاریخ نزدیک به همان زمانی است که لئون آفریقایی از ماسویهٔ مذکور یاد کرده است. همچنین از ماسویهٔ سوم یا به تعبیر خود او ماسویهٔ دوم کاذب خبر داده که در سدهٔ ۱۳ میلادی می‌زیسته است.

همچنین در نسخهٔ چاپی *معجم البلدان یاقوت* (ذیل جرمیهن) نام یحیی‌بن‌ماسویه در شمار راویان آمده، اما این نام تصحیف یحیی‌بن‌ساسویه است که در کتاب‌های رجالی بارها از او یاد شده است (۱۷).

بحث

ابوزکریا یوحنا (یحیی) ابن‌ماسویهٔ خوزی (حدود ۱۶۱ تا ۲۴۳ هق/۷۷۷ تا ۸۵۷ م) پزشک ایرانی‌نژاد و مسیحی نسطوری شاگرد جبرئیل‌بن‌بختیشوع و معلّم حنین‌بن‌اسحاق از مردم خوزستان بود. او پزشک مخصوص مأمون بود و مأمون او را به ریاست بیت‌الحکمه بغداد برگزید. ابن‌ماسویه یکی از مشهورترین پزشکان جندی‌شاپور بود. او احتمالاً از زمان هارون تا زمان خلیفه متوکّل همواره از پزشکان دربار بوده است. ابن‌ماسویه با اغلب پزشکان معاصر خود، چون جبرئیل‌بن‌بختیشوع، سلمویه، خانوادهٔ طیفوری و حتی حنین اختلاف داشت، اما بعدها با حنین طرح دوستی ریخت. آثار ابن‌ماسویه در کنار جالینوس و دیوسکوریدس از مهم‌ترین مراجع می‌باشد و این خود بر اعتبار او می‌افزاید.

در ترجمه‌های لاتین، ابن‌ماسویه به‌عنوان Filius Mesue یا (Mesue Senior بزرگ‌تر) لقب گرفته است، جهت وجه افتراق با (Mesue Junior کوچک‌تر) اهل ماردین Mardin که طبق نظر لئون آفریقایی در سال ۴۰۶ هق در قاهره فوت کرده است؛ به عبارت دیگر ۱۵۰ سال پس از Mesue بزرگ‌تر. عده‌ای در وجود او تردید کرده و بعضی اصلاً منکر وجود شخصی که در منابع او را به ماسویهٔ نامبردار (ماسویهٔ بزرگ‌تر) کرده‌اند، شده‌اند. با وجود این، آثار دارویی یوحنابن‌ماسویه به‌عنوان داروشناس همواره مورد توجه حکمای متقدم بوده است و شاید به‌دلیل همین توجه بود که سه رسالهٔ داروسازی قرون وسطایی که تأثیر عظیمی بر توسعهٔ داروسازی در اوایل اروپای مدرن و جهان اسپانیایی داشت به نویسندگی شخصی ناشناس با نام مسوئه، که احتمالاً نامی مستعار و به‌عاریت گرفته‌شده از نام یوحنابن‌ماسویه است، ظاهر شدند. پائولا د. وس در همین راستا چنین نتیجه‌گیری می‌کند که حتی اگر وجود این شخص جعلی و کاذب باشد، نشان‌دهندهٔ توجه بازار غرب لاتین به نویسندگان عرب و آثار داروسازی عرب و علی‌الخصوص توجه ویژه به یوحنابن‌ماسویه داروشناس مشهور در قرن نهم میلادی (سوم هق) است. همان‌طور که نام مستعار عربی نشان می‌دهد، این رساله‌ها به‌وضوح محصول جهان اسلام قرون وسطی برای برآورده‌کردن خواسته‌های «بازار داروسازی» در حال توسعهٔ اواخر قرن سیزدهم میلادی اروپا بودند، جایی که نسخه‌های خطی برای اولین بار ظاهر شدند که درواقع از جمله نوآوری‌های بسیاری بودند که اگرچه پایه و اساس نظریه و عمل داروسازی را برای قرن‌ها فراهم کردند و مسلماً بخشی از تأثیر معرفت‌شناسی حرفه‌ای بر انقلاب علمی بودند، اما تحت تأثیر داروسازی تمدن اسلامی و یوحنابن‌ماسویه بودند (۱۸).

نتیجه‌گیری

یوحنابن‌ماسویه به‌عنوان مترجم و همچنین سفارش‌دهندهٔ ترجمه نقش مهمی را در نهضت ترجمه داشته و همچنین شهرت او در داروسازی باعث شده رساله‌های سه‌گانه به‌منظور افزودن اعتبار به او نسبت داده شود. البته به‌دلیل تشابهات محتوایی این رساله‌ها با آثار دورهٔ اسلامی، بررسی منشأ و مأخذ محتوای این رساله‌ها نیازمند تحقیقات بیشتر در آثار پزشکی دورهٔ اسلامی است.

References

1. Al-Bīrūnī AM. *Al-Saydanah fi al-Tibb* (Pharmacy in Medicine). Tehran: Academy of Persian Language and Literature; 1389. [In Arabic].
2. Zahir al-Baba M. *Al-Qarabadinat*. Aleppo: Higher Institute of the History of Arabic Science; 1977. [In Arabic].
3. Ibn al-Qifti A. *Ta'rikh al-Hukama*. Translated by Lippert J. Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung; 1903. [In German].
4. Al-Rohawi I. *Adab al-Tabib*. Frankfurt: Institute for the history of Arabic-Islamic Science; 1985. [In German].
5. Leclerc L. Histoire de la médecine arabe. Paris: E. Leroux; 1876. [In French].
6. Jacquart D. "*Ibn Māsawayh*" in Encyclopaedia of the history of science, technology and medicine in non-western cultures 2016 (pp. 2315-2317). Eited by Selin H. Dordrecht: Springer; 1997. [In English].
7. Ibn Abi Usaybi'a A. *ʿUyūn al-Anbāʾ fī Ṭabaqāt al-Aṭibbāʾ*. Beirut: Dār al-Maktaba al-Hayat; 1996. Vol.1. [In Arabic].
8. Sezgin F. *Ta'rikh-i Nigārish'hā-Yi ʻArabī* (History of Arabic writtings). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2007. Vol.3. [In Persian].
9. Lieberknecht S. Die Canones des Pseudo-Mesue: Eine mittelalterliche Purgantien-Lehre. Quellen und Studien zur Geschichte der Pharmazie. 1995;71:1-249. [In German].
10. Jacquart D. "Principales e´tapes dans la transmission des textes de me´decine (XI–XIVe sie`cle)" in Rencontres de cultures dans la philosophie médiévale: Traductions et traducteurs de l'antiquite´ tardive au XIVe Siècle: Actes du colloque international de cassino, 15–17 juin 1989. Edited by Hamesse J, Fattori M. Brepols- Turnhout: 1991. P:251-271. [In French].
11. Hottinger JH. Bibliothecarius quadripartitus. Tiguri: Sumptibus Melchioris Stauffacheri; 1664. Bk.2, Ch.3, P:261-262. [In German].
12. Lieberknecht S. Die Canones des Pseudo-Mesue: Eine mittelalterliche Purgantien-Lehre. Quellen und Studien zur Geschichte der Pharmazie. 1995;71:1-249. [In German].
13. Labarta A. La farmacología de Ibn Buklaris: sus fuentes. Actas del IV Coloquio Hispano-Tunecino. 1983:163-74. [In ??].
14. Neuberger M. Geschichte der medizin. Stuttgart: F. Zuke; 1906–1911. [In German].
15. Meyer-Steineg T, Sudhoff K. Geschichte der medizin im überblick mit abbildungen. Jena: Gustav Fischer; 1921. [In German].
16. Stannard J. "Medieval herbals and their development" In Clio medica. Acta academiae internationalis historiae medicinae. Brill; 1974 Jan 1. Vol.9, P:23-33. [In German].
17. Ibn al-Samʿānī A. *Kitāb al-Ansāb*. Beirut: Dār aL-Janan; [n.d]. [In Arabic].
18. De Vos P. The "Prince of Medicine": Yūḥannā ibn Māsawayh and the foundations of the western pharmaceutical tradition. Isis. 2013 Dec 1;104(4):667-712.

Original Research
(History of Medicine)

A stady on the reidentification on Yūḥannā ibn Māsawayh (3rd century AH)

Mahboobeh Ranjbar[a], Mohammad Sadr[a]*, Hamed Arezaei[a]

[a]Department of History of Medicine, School of Persian Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Yūḥannā ibn Māsawayh, despite being a renowned ophthalmologist, pharmacist, and translator from the Islamic period, is a figure shrouded in debate and ambiguity among scholars due to contradictory historical reports and uncertainties surrounding his attributed works. Catalogers have noted numerous medical works in his name. Yūḥannā served as a key reference for doctors and pharmacists of the era, with notable scientists like Abū Rayhān al-Bīrūnī, Muhammad ibn Zakariyyā al-Rāzī, Ibn al-Jazzar, Ibn al-Bayṭār and Hubaysh-i Tiflisi frequently quoting and referencing his works in their books including *Al-Saydanah*, *Al-Hawi*, *Al-Iʿtimād*, *Al-Jāmi li-Mufradāt al-Adwiya* and *Kifāyat al-Tibb*. Remarkably, his fame extends beyond the Islamic world. The attribution of three influential medieval pharmaceutical treatises to an unknown individual named “Mesue” likely inspired by Yūḥannā ibn Māsawayh's name—showcases the global recognition of this Islamic period scholar, regardless of the correctness of the attribution of these treatises.

Keywords History of Medicine; Persian Medicine; Traditional Medicine

Corresponding Author: sadr.m@ums.ac.ir

Please cite this article as:
Ranjbar M, Sadr M, Arezaei H. A stady on the reidentification on Yūḥannā ibn Māsawayh. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2025;16(2):113-120. doi:10.22034/jiitm/16.2.6

Copyright: ©Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.